

باسمه تعالی

بررسی

شکل‌های مختلف

عزاداری

سینه‌زنی، زنجیر زنی، مجروح کردن بدن،

گل مالی، هروله، تعزیه، شبیه خوانی،

آلات موسیقی، طبل و سنج و...

بررسی شکل‌های مختلف عزاداری

مقدمه

عزاداری سیدالشهدا علیه‌السلام در طول تاریخ شیعه با تغییرات و تحولات زیادی روبرو بوده است تا جایی که برخی از آن‌ها باعث وهن مذهب گردیده و از سوی بزرگان دین نهی شده است. متأسفانه هنوز هم شاهد اضافه شدن برخی کارها به عزاداری‌ها هستیم. شیوه‌های خود ساخته‌ای که جایی در شرع و آداب دینی ندارند. از طرفی برخی به عزاداری سنتی هم اشکال کرده و از آن نهی می‌کنند. در این مقاله برآنیم تا بعضی از این روش‌ها را بررسی نموده و علاوه بر شرعی بودن یا نبودن آن، توصیه‌های ولی امر مسلمین را هم در انجام دادن یا ندادن آن‌ها، ملاحظه نماییم.

البته موضوع اشک ریختن در مصائب اهل بیت چون از بدیهیات است مورد بررسی قرار نگرفته و کارهایی مثل قمه‌زنی و قفل زنی هم چون حکم مشخص از سوی امام خامنه‌ای در رد آن وجود دارد، مطرح نشده است.^۱

۱. به دلیل کمبود فضا در مجبور به خلاصه نمودن مطالب شده‌ایم، در صورت تمایل به مطالعه بیشتر و دقیق‌تر می‌توانید به قسمت دوم و سوم مقاله «از لُخت شدن، تا لُخت شدن» در نشانی

سینه زنی

برای بررسی این شکل از عزاداری لازم است تا ابتدا معنی دقیق لغت لطم را بدانیم.

معنی لطم

لطم که مصدر مره آن لطمه می‌باشد، به معنای «زدن با کف دست بر بدن» است. گرچه برخی از لغت‌شناسان در معنای آن، فقط زدن بر صورت را مطرح کرده و گفته‌اند: «اللطم: الضرب علی الوجه بباطن الراحه»^۱ یعنی لطم عبارت از زدن با کف دست بر صورت است، ولی از دقت در کلمات سایر لغت‌شناسان و موارد کاربرد این واژه، به دست می‌آید که صورت، خصوصیتی ندارد بلکه زدن با کف دست بر هر جای بدن، لطم می‌باشد. چنان‌که بسیاری از لغت‌شناسان «صفحات الجسم»^۲ را نیز به معنای لطم افزوده‌اند.

همان‌طور که در روایت جابر از امام باقر علیه‌السلام لطم منحصر به صورت نشده بلکه صدر نیز بدان اضافه شده و به عنوان «لطم الوجه و الصدر» مطرح شده است. (در ادامه خواهد آمد - حدیث شماره ۴)

بنابراین معنای لطم، زدن با کف دست بر سر، صورت، سینه و سایر اعضای بدن است.

نکته مهم این است که معنای این واژه را نباید در لغت‌نامه‌های فارسی جستجو نمود زیرا این لغت عربی بوده و در فارسی معنای آن کمی تغییر کرده است. به همین دلیل در لغت فارسی لطمه به معنای جراحت است که چنین معنی از آن در عربی استفاده نمی‌شود.

۱. مجمع‌البحرین ج ۶ ص ۱۶۲؛ اللطم: الضرب علی الوجه بباطن الراحه. يقال لَطَمَتِ المرأةُ وجهها لَطْمًا من باب ضرب: ضربته بباطن کفها.

۲. کتاب‌العین ج ۷ ص ۴۳۳؛ اللطمُ: ضرب الخد، و صفحات الجسم بیسط الید - لسان‌العرب ج ۱۲ ص ۵۴۲؛ اللطمُ: ضَرْبُک الخدَّ وَ صَفْحَةُ الجسدِ بِيَسْطِ الید

سینه زنی از منظر روایات

سینه زنی از دیر باز در مراسم عزا به عنوان نشانه‌ای از عزاداری وجود داشته است و اهل بیت علیهم السلام نیز از آن نهی نکرده و حتی در مواردی وابستگان به آن‌ها این عمل را برای عزاداری انجام داده‌اند.

برای نمونه چند مورد نقل می‌گردد:

۱- در لهوف می‌خوانیم:

چون زنان و عیالات امام حسین علیه السلام از شام بازگشتند و به کشور عراق رسیدند به راهنمای قافله گفتند ما را از راه کربلا ببر پس آمدند تا به قتلگاه رسیدند دیدند جابر بن عبد الله انصاری و جمعی از بنی هاشم و مردانی از اولاد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده‌اند برای زیارت قبر حسین علیه السلام پس همگی به یک هنگام در آن سرزمین گرد آمدند و با گریه و اندوه و سینه زنی با هم ملاقات کردند و (تَلَقَوْا بِالْبُكَاءِ وَالْحُزْنِ وَاللَّطْمِ) ^۱ مجلس عزایی که دل‌ها را جریحه دار می‌کرد بر پا نمودند و زنانی که در آن نواحی بودند جمع شدند و چند روزی به همین منوال گذشت. ^۲

۲- حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرماید من در آن شبی که پدرم فردای آن کشته شد نشسته بود و عمه‌ام زینب نیز نزد من بود و از من پرستاری می‌کرد، در آن هنگام پدرم به خیمه خویش رفت و اشعاری (را که خبر از بی‌وفائی و بی‌اعتباری دنیا می‌داد) می‌خواند. و این اشعار را دو بار یا سه بار از سر گرفت تا این‌که من آن را فهمیدم و مقصود او را دانستم، پس گریه گلوی مرا گرفت ولی خودداری کرده

۱. اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه فهری ص ۱۹۶ - تسلية المجالس (مقتل الحسين عليه السلام) ج ۲

- بحار الأنوار (ط - بيروت) ج ۴۵ ص ۱۴۶ - رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار ج ۱ ص ۲۵۲

۲. اگرچه شهید مطهری به نقل از محدث نوری رفتن اهل بیت در اربعین به کربلا را بعید می‌داند، اما شهید محراب آیت الله سید محمد علی قاضی طباطبایی در کتابی با عنوان «اولین اربعین در کربلا» دلایل بسیاری بر آمدن اهل بیت در اربعین به کربلا ارائه نموده است.

خاموش شدم، و دانستم بلاء نازل گشته، و اما عمه‌ام پس او نیز شنید آن‌چه را من شنیدم و او چون زن بود و زنان دل نازک و بی‌تاب‌تر می‌باشند نتوانست خودداری کند و به‌نزد آن حضرت دویده گفت: وا ثکلاه (ای عزای و مصیبت من) کاش مرگ من رسیده بود و زنده نبودم، امروز (چنان ماند که) مادرم فاطمه و پدرم علی و برادرم حسن از دنیا رفته‌اند! ای باز مانده گذشتگان، و ای دادرس بازماندگان! پدرم به او نگاه کرده فرمود: «خواهرم، شکیبائیت را شیطان از دستت نرباید... عمه‌ام گفت: «ای وای بر حال من آیا تو به ناچاری خود را به مرگ سپردی (و تن بدان داده‌ای)؟ این بیشتر دل مرا ریش کند، و بر من سخت‌تر است (این سخن را گفت) سپس به صورت زد و دست بگریبان برده چاک زد و بیهوش به زمین افتاد!» (ثُمَّ لَطَمْتُ وَجْهَهَا وَ هَوَتْ إِلَى جَبِيهَا فَشَقَّتْهُ وَ خَرَّتْ مَغْشِيًّا عَلَيْهَا) حسین علیه‌السلام برخاسته آب به روی خواهر پاشید و به او فرمود: آرام باش ای خواهر، پرهیزکاری پیشه کن، و به آن شکیبائی که خدا به‌رهات سازد بردباری کن، و بدان که اهل زمین می‌میرند و اهل آسمان به جای نمانند، و همانا هر چیز هلاک گردد جز خداوندی که آفریدگان را به قدرت خود آفرید، و مردم را برانگیزد، و دوباره بازگرداند، و او است یگانه و یکتای بی‌همتا... و خواهر را به این سخنان و مانند آن دلداری داد و به او فرمود: «يَا أُخِيَّةُ إِنِّي أَقْسَمْتُ فَأَبْرِي قَسَمِي لَا تَشْقِي عَلَيَّ جَبِيًّا وَلَا تَخْمَشِي عَلَيَّ وَجْهًا وَلَا تَدْعِي عَلَيَّ بِالْوَيْلِ وَ التُّبُورِ إِذَا أَنَا هَلَكَتُ - خواهر جان من ترا سوگند می‌دهم و باید بدین سوگند رفتار کنی چون من کشته شدم (در کشته شدن و ماتم من) گریبان چاک مزین، و روی خود مخراش و ویل (وای) و ثبور (هلاکت) برای خود مخواه.»^۱

۳- مسافر گوید: هنگامی که ابو ابراهیم (موسی بن جعفر) علیه‌السلام را (به سوی بغداد) می‌بردند به امام رضا علیه‌السلام دستور داد که همیشه تا وقتی که خودش

۱. الإرشاد (للمفید) ج ۲، ص ۹۳ - دقت فرمایید امام حسین علیه‌السلام از لطمه زدن نهی نفرمود بلکه

از خراشیدن و هلاک خواستن نهی کرد - خلاصه این حدیث را نقل نمودیم.

زنده است، هر شب در منزل آن حضرت بخوابد تا خبرش به او برسد، مسافر گوید: ما هر شب بستر امام رضا را در دهلیز خانه می‌انداختیم، و آن حضرت بعد از شام می‌آمد و می‌خوابید، و صبح به منزل خویش می‌رفت، تا چهار سال بدین منوال گذشت، شبی از شب‌ها بستر حضرت را انداختند ولی او دیر کرد و بالاخره هم نیامد، اهل خانه نگران و هراسان شدند و ما را از نیامدنش دهشتی گرفت. چون فردا شد، آن حضرت به منزل آمد و نزد اهل خانه رفت و متوجه ام احمد شد و به او فرمود: آنچه را پدرم به تو سپرده بیاور، « فَصَرَخَتْ وَ لَطَمَتْ وَجْهَهَا وَ شَقَّتْ جَيْبَهَا - ناگاه ام احمد فریاد کشید و سیلی به رخسارش زد و گریبانش را درید » حضرت جلو او را گرفت و فرمود: «مبادا سخنی بگویی و آن را اظهار کنی تا خبر به حاکم برسد»^۱

دقت بفرمایید که امام رضا علیه‌السلام ام‌احمد را از ضربه زدن به صورت نهی نفرمود.

۴- در انتهای حدیثی از امام صادق علیه‌السلام آمده است: « وَ قَدْ شَقَّقْنَا الْجُيُوبَ وَ لَطَمْنَا الْخُدُودَ الْفَاطِمِيَّاتُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع وَ عَلَى مِثْلِهِ تَلَطَّمُ الْخُدُودُ وَ تُشَقُّ الْجُيُوبُ - و به راستی، زنان بنی‌هاشم (فاطمیّات) در سوگ حسین علیه‌السلام پیراهن‌های خود را پاره کردند و بر صورت خود زدند و در سوگ مثل حسین علیه‌السلام بر صورت‌ها زده می‌شود و گریبان‌ها پاره می‌گردد.^۲

۵- جابر بن عبد الله انصاری از امام باقر نقل کرده که فرمود: سخت‌ترین بی‌تابی‌ها فریاد به واویلا و ناله کشیدن و زدن به صورت و بر سینه کوبیدن و موی کردن است. (أَشَدُّ الْجَزَعِ الصُّرَاخُ بِالْوَيْلِ وَ الْعَوِيلِ وَ لَطْمُ الْوَجْهِ وَ الصَّدْرِ وَ جَزُّ الشَّعْرِ مِنَ النَّوَاصِي) کسانی که جلسه نوحه‌سرای بر پا کنند، صبر بر مصیبت نکرده‌اند و هر کس صبر و بردباری پیشه کند و استرجاع نماید (یعنی بگوید اِنَّا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ) و خدا را

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۳۸۱

۲. تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ج ۸، ص ۳۲۵

حمد و ثنا گوید علامت رضایت او از کار خدا است و اجر او بر خدای عز و جل می‌باشد و کسانی که صبر نکنند قضا و حکم الهی بر ایشان جاری می‌شود در حالی که مذمومند و اجر ایشان ضایع شده است.^۱

و در حدیث دیگری فرموده است:

كُلُّ الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ مَكْرُوهٌ سِوَى الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ عَلَى الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ).

هر جزع و نوحه‌گری و گریستن ناپسند است مگر جزع و گریستن بر شهادت امام حسین علیه‌السلام.^۲

دقت بفرمایید که: در حدیث قبل اشدُّ الْجَزَعِ آمده و در این حدیث فقط الْجَزَعِ.^۳

۶- امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمود:

وَاللَّهِ لَا أَكُونُ كَمُسْتَمِعِ اللَّذْمِ يَسْمَعُ النَّاعِيَ وَ يَحْضُرُ الْبَاكِيَ ثُمَّ لَا يَعْتَبِرُ

به خدا، من چون آن کس نباشم که بر سینه زدن، ناله برآوردن، و گریه کردن - بر مرده را - شنود و ببیند، پس سر خود گیرد، و پند نپذیرد.^۴

در این روایت از واژه اللَّذْمِ^۵ استفاده شده است و نشان می‌دهد که سینه زدن در هنگام عزا از زمان آن حضرت مرسوم بوده است.

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۲۲۲

۲. الأمالی (للطوسی) ص ۱۶۲ - وسائل الشیعة ج ۳ ص ۲۸۲ - بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۴۴ ص ۲۸۰

۳. در بخش جراحات در عزاداری درباره این حدیث بیشتر توضیح خواهیم داد.

۴. نهج البلاغة (للصحی صالح) ص ۲۰۶

۵. معنی این لغت، نزدیک به لطم است، فقط بیشتر درباره‌ی زنان به کار رفته است. کتاب‌العین ج ۸ ص ۴۶؛

اللذم: ضرب المرأة صدرها وعضديها في النياحة - لسان‌العرب ج ۱۲ ص ۵۳۹؛ اللذم: ضرب المرأة صدرها؛

لذم: به معنای به سینه زدن زن می‌باشد... و التدام زنان: به معنای به سینه و صورت زدن زنان در مصیبت

است - مجمع‌البحرین ج ۶ ص ۱۶۱؛ اللذم: ضرب الوجه و الصدر و نحوه - تاج‌العروس من جواهر القاموس

ج ۱۷ ص ۶۴۶؛ و التدمت المرأة: ضربت صدرها ووجهها في النياحة و لطمت.

۷- ابن هشام به نقل از عایشه می‌نویسد: (زمانی که پیامبر خدا از دنیا رفت)
 قُمْتُ اَلتَّدِيمُ مَعَ النِّسَاءِ وَ اَضْرَبَ وَجْهِي - من به همراه بقیه زنان پیامبر سینه می‌زدیم و
 من به صورتم می‌زدم.^۱

بر اساس همین گونه منابع است که حجت‌الاسلام جواد محدثی می‌نویسد:
 « اصل این سنت به ویژه در میان عرب‌ها رواج داشته است آن‌ها به هنگام وارد
 شدن مصیبت، دست‌ها را به صورت ضربداری - به گونه‌ای که کف دست‌ها به طرف
 صورت باشد - روی هم قرار داده و به نشانه عزا به سینه می‌زدند (کاری که هم اکنون
 نیز در میان زنان عرب بسیار رواج دارد). سینه‌زنی به مرور زمان به صورت موجود در
 آمده که با انتخاب نوحه‌های سنگین حرکات دست بر سینه می‌خورد... این گونه
 نوحه‌گری ابتدا به صورت فردی بوده، اما با مرور زمان به شکل گروهی و دستجات
 سوگواری درآمده است.»^۲

سینه زنی در فرمایش ولی امر مسلمین

حضرت امام خمینی رحمت‌الله علیه فرموده‌اند: « دستجات سینه‌زنی و نوحه‌خوانی
 به همان قوت خودش باقی باشد و بدانید که حیات این ملت به همین روضه‌خوانی‌ها،
 به همین اجتماعات، به همین دستجات است.»^۳

حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی نیز فرموده‌اند: « دست بر سر زدن، به نوعی
 نشانه‌ی عزاداری است؛ شما بارها دیده‌اید، کسانی که مصیبتی برای‌شان پیش می‌آید،
 بر سر و سینه‌ی خود می‌کوبند. این نشانه‌ی عزاداری معمولی است.»^۴

۱. تاریخ الأمم و الملوک (طبری) ج ۲ ص ۲۳۲ و در بعضی نسخه‌ها ج ۳ ص ۱۹۹- السیرة النبویة ج ۶
 ص ۷۵، ح ۲۶۳۹۱- مسند حنبل ج ۶ ص ۲۷۴- أنساب الأشراف ج ۱ ص ۲۴۳- مسند أبی یعلی ج ۸
 ص ۶۳- تمام نشانی‌ها از کتب اهل سنت است.

۲. فرهنگ عاشورا، نشر معروف، ص ۲۳۷

۳. صحیفه امام ج ۱۵ ص ۳۳۷

۴. ۱۳۷۳/۳/۱۷ . ۴

حدود سینه‌زنی

حضرت امام خامنه‌ای در پاسخ به استفتایی فرموده‌اند:

سؤال: آیا جایز است زنان با حفظ حجاب و پوشیدن لباس خاصی که بدن آنان را بپوشاند، در دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی شرکت کنند؟

جواب: شرکت زنان در دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی شایسته نیست.^۱

معظم‌له همچنین درباره‌ی این که در چه مناسبت‌هایی سینه‌زنی و راه‌اندازی دسته‌های عزاداری داشته باشیم فرموده‌اند:

« روضه‌خوانی و سینه‌زنی باید باشد؛ اما نه در هر عزایی. این را بدانید که روضه خواندن و گریه کردن - آن سنت سینه - مربوط به همه‌ی ائمه نیست؛ متعلق به بعضی از ائمه است. حالا یک وقت در جمع و مجلسی کسی روضه‌ای می‌خواند، عده‌ای دل‌شان نرم می‌شود و گریه می‌کنند؛ این عیبی ندارد. اصلاً عزاداری کردن یک حرف است، روضه‌خوانی و سینه‌زنی راه انداختن یک حرف دیگر است. روضه‌خوانی و سینه‌زنی راه انداختن، مخصوص امام حسین است؛ حداکثر مربوط به بعضی از ائمه است؛ آن هم نه به این وسعت. مثلاً در شب و روز تاسوعا و عاشورا به خصوص، در شب و روز بیست‌ویکم ماه رمضان، سینه‌زنی و عزاداری و برپایی جلسات خوب است؛ ولی مثلاً در مورد حضرت موسی بن جعفر (علیه‌السلام) - با این که وفات آن بزرگوار از وفات‌های دارای روضه‌خوانی است - من لزومی نمی‌بینم که سینه‌زنی بشود. یا مثلاً در سالگرد شهادت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) مناسبتی ندارد که ما بیاییم نوحه‌خوانی و سینه‌زنی کنیم؛ بهتر این است که در آن موارد، شرح مصایب‌شان گفته بشود. شرح مصایب، گریه‌آور است.»^۲

دقت بفرمایید که این فرمایش در دیدار اعضای گروه معارف رادیو بیان شده و ظاهراً بیشتر نظر به پخش از صدا و سیما داشته است، اما از این فرمایش ایشان

۱. اجوبه‌الاستفتائات ص ۳۲۴، سوال ۱۴۵۵

۲. فرمایشات در دیدار اعضای گروه ویژه و گروه معارف اسلامی صدای جمهوری اسلامی ایران

مشخص می‌گردد که عزاداری امام حسین علیه‌السلام باید ویژه‌گی خاصی داشته باشد و نباید بقیه موارد عزا را به این وسعت و شکل برگزار کرد تا این ویژه‌گی حفظ شود. اگر مراسم عزاداری حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها که در بیت رهبری برگزار می‌شود را با ایام محرم مقایسه بفرمایید، متوجه می‌شوید که در آن بیشتر ذکر مصائب است و سینه‌زنی بسیار کوتاه انجام می‌شود.

جراحت زدن به بدن

استدلال تمام کسانی که وارد کردن جراحت به بدن را جایز و حتی مستحب می‌دانند، همان روایات «لطم» است که در قسمت قبل توضیح داده شد که به‌طور کلی این لغت به معنی ضربه زدن به قسمت‌های مختلف بدن به‌ویژه سینه و سر می‌باشد، ولی عده‌ای معنی فارسی لطمه را برای این عبارات در نظر گرفته و به اشتباه آن را وارد کردن جراحت ترجمه نموده‌اند که در بخش قبل توضیح داده شد.

اما برای روشن‌تر شدن مطلب، مجدد چند روایت را بررسی می‌کنیم.

۱- در حدیث شماره ۲ قسمت قبل به نقل از امام سجاد علیه‌السلام آمد که حضرت زینب سلام‌الله‌علیها با دست به صورت خود زد: «ثُمَّ لَطَمْتُ وَجْهَهَا» ولی امام حسین علیه‌السلام ایشان را از این کار نهی نفرمود، بلکه از خراشیدن صورت نهی کرد: «لَا تَشْقَى عَلَيَّ جَبِيًّا وَلَا تَخْمَشِي عَلَيَّ وَجْهًا» - گریبان چاک مزین، و روی خود مخراش^۱ و در هنگام نهی از لغتی که از ریشه «لطم» باشد استفاده نفرمود.

۲- در حدیث زیر (شماره ۴ قسمت قبل) هم که بسیار مورد استناد قرار می‌گیرد هم فقط عبارت «لَطَمْنَا الْخُدُودَ» و «تَلَطَّمُ الْخُدُودُ» که به معنای ضربه زدن به دو طرف صورت است آمده و صحبتی از وارد کردن جراحت نیست.

و به‌طور دقیق جراحت زدن جایز دانسته نشده است، در عبارات «وَإِذَا خَدَشَتِ الْمَرْأَةُ» و «فِي الْخَدَشِ إِذَا دَمِيَتْ»

زیرا معنی «خُدش» و «لطم» متفاوت است. «خُدش» در زبان عرب به معنی «خراشیدن، پاره پاره کردن، دریدن، خدشه‌دار کردن و جریحه‌دار کردن» است.^۱ پس اگر به این حدیث استناد کنیم «لطم» جایز و «خُدش» موجب کفاره است. برای درک بیشتر مطلب بهتر است تا حدیث را به‌طور کامل بخوانیم:

خالد بن سدیر گفت: از امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی مردی سؤال کردم که برای [مرگ] پدر یا مادر یا برادر یا یکی از نزدیکانش، پیراهنش را پاره کرده است؟ (آیا این عمل او جایز است؟) امام علیه‌السلام فرمود: پاره کردن گریبان اشکالی ندارد. موسی بن عمران علیه‌السلام برای برادرش هارون پیراهن پاره کرده است. البته پدر برای فرزند و مرد برای زنش نباید پیراهن پاره کند ولی زن می‌تواند در عزای شوهرش پیراهن پاره کند و هرگاه شوهر در مرگ زنش یا پدر در مرگ فرزندش، پیراهن پاره کند، کفاره آن همانند کفاره شکستن قسم است. و نماز این دو، مادامی که کفاره را نداده باشند، پذیرفته نیست.

زمانی که زن به صورت خود چنگ بزند و یا موهایش را بُرد و یا بکند، (إِذَا خَدَشَتِ الْمَرْأَةُ وَجْهَهَا أَوْ جَزَّتْ شَعْرَهَا أَوْ نَتَفَتُهُ فَفِي جَزِّ الشَّعْرِ) در این صورت برای بریدن مو باید غلامی را آزاد کند، یا دو ماه پشت سر هم روزه بگیرد و یا شصت فقیر را غذا بدهد.

در صورتی که صورتش را خراش بدهد و خون خارج شود و همین‌طور در کندن مو (وَ فِي الْخُدْشِ إِذَا دَمِيَتْ وَ فِي النَّتْفِ)، کفاره‌ی شکستن قسم است.

در ضربه بر گونه‌ها، جز استغفار و توبه، کفاره‌ای نیست. (وَ لَا شَيْءٌ فِي اللَّطْمِ عَلَى الْخُدُودِ سِوَى الْإِسْتِغْفَارِ وَ التَّوْبَةِ)

۱. کتاب العین ج ۴ ص ۱۶۶؛ الخُدْشُ مَزَقَ الْجِلْدَ قَلَّ أَوْ كَثُرَ - لسان العرب ج ۶ ص ۲۹۲؛ الخُدْشُ: مَزَقُ الْجِلْدِ، قَلَّ أَوْ كَثُرَ - فرهنگ ایجدی عربی فارسی ص ۳۵۷؛ خُدْشٌ - خُدْشَاهُ: از او عیبجویی کرد، آن چیز را پاره کرد، خراشانید - المصباح المنیر ج ۲ ص ۱۶۵؛ خُدْشْتُهُ: (خُدْشًا) مِنْ بَابِ ضَرْبٍ جَرَحْتُهُ فِي ظَاهِرِ الْجِلْدِ وَ سَوَاءٌ دَمِيَ الْجِلْدُ

و به راستی، زنان بنی‌هاشم (فاطمیّات) در سوگ حسین علیه‌السلام پیراهن‌های خود را پاره کردند و بر صورت خود زدند و در سوگ مثل حسین علیه‌السلام بر صورت‌ها زده می‌شود و گریبان‌ها پاره می‌گردد.

وَ قَدْ شَقَّقْنَ الْجُيُوبَ وَ لَطَمْنَ الْخُدُودَ الْفَاطِمِيَّاتُ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَ وَ عَلَيَّ مِثْلَهُ
تَلَطَّمُ الْخُدُودُ وَ تُشَقُّ الْجُيُوبُ.^۱

۳- پیامبر اسلام صلی‌الله‌وعلیه‌وآله هم به حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها سفارش نمودند که در وفات ایشان، جراحت به صورت وارد نکنند. «أَنَا مِتُّ فَلَا تَخْمِشِي عَلَيَّ وَجْهًا»^۲ در حالی که می‌دانیم حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها شدیدترین گریه‌ها را برای پیامبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله داشته‌اند.

۱. این حدیث فقط در تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ج ۸، ص ۳۲۵ آمده است و چند کتاب محدود هم که آن را کامل آورده‌اند، همگی از تهذیب نقل کرده‌اند.

اگر چه این روایت در کتاب تهذیب که یکی از کتب اربعه شیعه می‌باشد آمده است، ولی برخی سند آن را ضعیف می‌دانند. شهید ثانی در مسالک‌الافهام در این باره می‌گوید: «سند این روایت ضعیف می‌باشد، زیرا خالد بن سدیر که در سند آن است فردی غیر موثق می‌باشد.» (مسالک‌الافهام، ج ۱۰، ص ۲۷). همچنین شیخ صدوق در مورد او گفته که روایات کتابش جعلی است. (مصباح‌الفقیه، ج ۱، ص ۴۳۰) شیخ طوسی و علی بن بابویه نیز روایات او را نپذیرفته‌اند. (منبع پیشین به نقل از الفهرست) محقق بزرگوار آقای رضا همدانی می‌نویسد: «این روایت به خاطر ضعف سندش و اعراض اصحاب از آن، صلاحیت برای دلیل واقع شدن را ندارد.» (مصباح‌الفقیه، ج ۱، ص ۴۳۰) ضمناً یکی دیگر از کسانی که در سلسله راویان این حدیث است، محمد بن عیسی است که شیخ طوسی او را غلات (غلو کنندگان) دانسته است؛ شیخ صدوق، علی بن بابویه و بسیاری دیگر از علما نیز او را ضعیف دانسته و نقل‌های او را غیرقابل اعتماد می‌دانند. (بنگرید به الفهرست، ص ۱۴۰)

۲. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۵ ص ۵۲۷

همچنین از آن حضرت نقل شده است: « لعن الله الخامشة وجهها و الشاقة جبيها و الداعية بالويل و الثبور^۱ - خدا لعنت کند آن زنی را که در مصیبت، صورت خود را بخراشد، و گریبان خویش را پاره کند، و فریاد وای و ثبور سر دهد. (ثبور یعنی هلاکت).^۲ »
 ۴- در شماره ۵ قسمت قبل نیز یادآور شدیم که:

در حدیث اول أَشَدُّ الْجَزَعِ آمده و در حدیث دوم فقط الْجَزَعِ ذکر شده است. با توجه به دیگر روایات که در قسمت قبل ذکر شد و ضربه زدن به سر و سینه را در عزا جایز شمرده است، به نظر می‌رسد که أَشَدُّ الْجَزَعِ که شامل موی کندن است به طور کل جایز نیست، اما به سینه و سر زدن و ناله کردن که جزع می‌باشد، برای عزای امام حسین علیه‌السلام جایز است.

اگر به روایاتی که در آن به جزع برای امام حسین علیه‌السلام توصیه شده است دقت کنیم، متوجه می‌شویم که در تمام آن‌ها منظور از جزع اشک و ناله شدید است و صحبتی از کندن مو یا وارد کردن جراحت به بدن نیست.
 به عنوان نمونه به روایات زیر توجه بفرمایید.

الف) امام صادق علیه‌السلام فرمود: « إِنَّ الْبُكَاءَ وَ الْجَزَعَ مَكْرُوهٌ لِلْعَبْدِ فِي كُلِّ مَا جَزَعَ مَا خَلَا الْبُكَاءَ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع فَإِنَّهُ فِيهِ مَا جُورٌ - برای بنده‌ی خدا، گریه و بی‌تابی و جزع نمودن برای هر مصیبتی، مکروه است به جز گریه و ناله و بی‌تابی در مصیبت حسین بن علی علیه‌السلام، پس به درستی که او، به واسطه این کار مأجور است. »^۳

۱. مسکن الفؤاد عند فقد الأجابة و الأولاد، ص ۱۰۸ - بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۷۹ ص ۹۳ -

مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۴۵۲

۲. اگرچه این حدیث از طریق اهل سنت نقل شده ولی استاد شهید ثانی در مسکن الفؤاد به آن، قابل توجه بودن حدیث را می‌رساند.

۳. کامل الزیارات ص ۱۰۰ - وسائل الشیعة ج ۱۴ ص ۵۰۷

ب) همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در حال مناجات با خداوند متعال می فرمودند:

«... وَ اَرْحَمُ تِلْكَ الْاَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا وَ اَرْحَمُ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَ احْتَرَقَتْ لَنَا وَ اَرْحَمُ الصَّرْحَةِ الَّتِي كَانَتْ لَنَا ... - ... بر آن چشمانی که به ترخم بر ما، گریه کردند، رحم کن؛ و بر آن دل‌هایی که جزع کردند و برای ما آتش گرفتند و بر آن ضجه‌هایی که برای ما بلند می‌شود، رحمت نازل نما...»^۱

ج) « مسمع بن عبدالملک می گوید: روزی امام صادق علیه السلام به من فرمود: هیچ می‌شود که حسین علیه السلام را یاد کنی و آن چه را بر او روا شده، متذکر شوی؟ عرض کردم: بله. فرمود: آیا جزع می‌کنی؟ (قَالَ فَتَجَزَعُ) عرض کردم: آری به خدا قسم! و اشک می ریزم به گونه‌ای که نزدیکان من اثر آن را در من می‌بینند و دست از غذا می‌کشم تا اثر آن در سیمای من دیده شود. امام علیه السلام فرمود: خدا رحمت کند و اجر گریه‌هایت را بدهد! بدان که تو از زمره کسانی هستی که اهل جزع کردن بر ما هستند. (رَحِمَ اللَّهُ دُمْعَتَكَ - اَمَّا اِنَّكَ مِنَ الَّذِيْنَ يُعَدُّوْنَ مِنْ اَهْلِ الْجَزَعِ لَنَا) »^۲

کوبیدن سر به محمل

در بحار الانوار مطلبی آمده است به این مضمون:
از مسلم گچکار نقل شده که گفت: ابن زیاد مرا خواست تا دارالاماره کوفه را تعمیر نمایم. در آن حینی که من درها را گچکاری می‌کردم ناگاه شنیدم فریادهایی از اطراف کوفه بلند شد. من متوجه خادم خود شدم و گفتم: چه شده که کوفه دچار ضجه گردیده است؟!

گفت: الساعه سر یکی از خارجی‌ها را که بر یزید خروج کرده است آورده‌اند.
گفتم: آن خارجی کیست؟! گفت: حسین بن علی علیه السلام است. من صبر کردم

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص ۵۸۳ - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ج ۱۸ ص ۳۰۹

۲. کامل الزیارات ص ۱۰۱

تا خادم خارج شد و آن چنان طپانچه به صورت خود زدم که ترسیدم چشمم نابود شود. سپس گچ‌ها را از دست خود شستم و از پشت قصر فرود آمدم و وارد کناسه کوفه شدم.

در آن حینی که من ایستاده بودم و مردم در انتظار ورود اسیران و سر شهیدان بودند ناگاه دیدم تعداد چهل هودج بر پشت چهل شتر نصب شده که زنان و دختران فاطمه زهراء در میان آن‌ها جای دارند. ناگاه حضرت علی بن الحسین علیه‌السلام را دیدم که سوار بر شتر عریان و خون از رگ‌های گردنش روان بود و آن بزرگوار در حالی که گریان بود اشعاری را می‌فرمود...

ناگاه صدای ضجه بلند شد و سر شهیدان را که سر امام حسین در جلو آنان بود آوردند.

و هو رأس زهری قمری شبه الخلق برسول اللّٰه - سری بود نورانی، نظیر ماه، شبیه‌ترین مردم بود به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم محاسن شریف امام حسین نظیر شبه مشکی و رنگ خضاب از آن رفته بود. صورت آن حضرت مثل ماه تابان و گرد بود. نیزه سر و محاسن آن امام مظلوم را به طرف راست و چپ حرکت می‌داد. هنگامی که زینب علیهاالسلام متوجه سر مبارک امام حسین شد.

فنطحت جبینها بمقدم المحمل - پیشانی خود را به نحوی به جلو محمل زد که دیدم خون از زیر مقنعه‌ی آن بانو خارج شد. سپس با یک قطعه پارچه به سر امام حسین اشاره کرد و اشعاری را خواند: (از جمله)

ای برادرم! آن قلب تو که بر ما مهربان بود اکنون چه شده که به ما قسی و سفت گردیده است!
ای برادر! کاش علی بن الحسین را می‌دیدم که اسیر شده و به علت غم یتیمی طاقت خودداری ندارد.
آن چه که وی را به‌وسیله ضربه اذیت و آزار می‌نمایند در حالی تو را صدا می‌زند که ذلیل و اشگش ریزان است.
ای برادرم! علی بن الحسین را در بر بگیر و به خود نزدیک کن و قلب وی را که دچار ترس شده تسکین بده.
یتیم چه قدر ذلیل است در آن موقعی که پدر خود را صدا می‌زند ولی جواب نمی‌شنود!^۱

بررسی

۱- راوی این داستان فرد مجهولی است، به نام مسلم جصاص (گچکار) که نمی‌تواند در سلسله اسناد معتبر باشد.

۲- شیخ عباس قمی در منتهی‌الآمال بعد از نقل این داستان می‌نویسد:

مؤلف گوید: که ذکر محامل و هودج در غیر خبر مسلم جصاص نیست، و این خبر را گرچه علامه مجلسی نقل فرموده لکن مأخذ نقل آن منتخب طریحی و کتاب نورالعین است که حال هر دو کتاب بر اهل فن حدیث مخفی نیست، و نسبت شکستن سر به جناب زینب علیهاالسلام و اشعار معروفه نیز بعید است از آن مخدّره که عقیده هاشمیین، و عالمه غیر معلّمه و رضیعه ثدی نبوت، و صاحب مقام رضا و تسلیم است. (باشد)

و آن چه از مقاتل معتبره معلوم می‌شود حمل ایشان بر شتران بوده که جهاز ایشان پلاس و روپوش نداشته، بلکه در ورود ایشان به کوفه موافق روایت حذلم بن ستیر که شیخان نقل کرده‌اند به حالتی بوده که محصور میان لشکریان بوده‌اند چون خوف فتنه و شورش مردم کوفه بوده چه در کوفه شیعه بسیار بوده و زن‌هایی که خارج شهر آمده بودند گریبان چاک زده و موها پریشان کرده بودند و گریه و زاری می‌نمودند.^۱

۳- نویسنده‌ی کتاب نورالعین فی مشهد الحسین که شیخ عباس قمی بدان اشاره نمود، مشخص نیست و تنها برخی آن را به ابراهیم بن محمد نیشابوری اسفرائینی نسبت داده‌اند که شخصی اشعری مذهب و شافعی مسلک بوده. بسیاری از علما به بی‌اعتباری آن صحّه گذاشته‌اند؛ چنانچه عالم بزرگوار آیت‌الله حاج میرزا محمد ارباب در خصوص بی‌اعتبار بودن کتاب نورالعین و بی‌اساس بودن گفته‌های مسلم جصاص تأکید دارد.^۲

۴- همان‌طور که در روایات قبل آمد، امام حسین علیه‌السلام، از جراحت زدن بر بدن نهی کرده بودند. چه‌طور ممکن است حضرت زینب سلام‌الله‌علیها، که از اولیای

۱. منتهی‌الآمال فی تواریخ النبی و الّآل علیهم السلام (فارسی) ج ۲ ص ۹۳۹

۲. الاربعین الحسینیّه، چاپ اسوه، ص ۲۳۲

خاص الهی هستند و از علم لدتی بهره‌مند بوده‌اند، برخلاف تذکر امام علیه‌السلام، چنین عملی را مرتکب شده باشند.

۵- در بیتی از اشعار منتسب به حضرت زینب در این داستان، حضرت امام حسین علیه‌السلام به سنگ‌دلی و قساوت قلب متهم شده است.

يَا أَخِي قَلْبُكَ الشَّفِيقُ عَلَيْنَا مَا لَهُ قَدْ قَسَىٰ وَ صَارَ صَلِيْبًا

ای برادرم! آن قلب تو که بر ما مهربان بود اکنون چه شده که به ما قسی و سفت گردیده است!

بدیهی است که عقیده‌ی بنی‌هاشم چنین سخنی را به‌طور قطع به امام حسین علیه‌السلام نگفته است.

۶- مطالبی که درباره‌ی علی بن الحسین امام سجاد علیه‌السلام در شعر گفته شده بسیار سطح پایین بوده و مثل این است که درباره‌ی یک طفل کوچک صحبت می‌شود به خصوص که آمده است: «قلب وی دچار ترس شده است.»

۷- حتی اگر فرض کنیم این داستان صحت داشته باشد و حضرت زینب سلام‌الله‌علیها در آن وضعیت بحرانی که برای اولین بار سر برادرش را بر نیزه دیده است سرخود را به محل زده باشد، این حاکی از شدت تأثر و اندوه آن حضرت است و هیچ معلوم نیست که ایشان به قصد سرشکستن این کار را کرده باشند و دلیلی بر جواز این کار در شرایط عادی نیست؛ در آن صورت نیز فقط می‌توان در شرایط مشابه آن چه بر حضرت زینب سلام‌الله‌علیها گذشته، آن را تجویز کرد.
در نتیجه این داستان از اساس دروغ است.^۱

۱. البته این مطلب در زیارت مفجعه حضرت زینب سلام‌الله‌علیها آمده است. ولی این زیارت یک متن ساختگی است که فردی بر اساس تاریخی که خود می‌دانسته ساخته است و چنین زیارتی از اهل بیت نرسیده است. حتی در اکثر چاپ‌های انجام شده از این زیارت، نوشته شده است که به نیت رجاء خوانده شود.

استفتاء

حضرت امام خامنه‌ای در رابطه با ضرر جسمی به بدن در پاسخ به دو استفتاء فرموده‌اند:

سوال: معیار شرعی ضرر، اعم از جسمی یا روحی چیست؟

جواب: معیار، ضرری است که در نظر عرف، قابل توجه و معتنا باشد.^۱

سؤال: صدمه وارد کردن به بدن در حد کوبیدن سر به دیوار، چنگ زدن به صورت، به صورت زدن، سینه‌زنی تا حدی که سینه‌ها - ولو جزئی - آسیب ببیند و یا این‌که از بدن خون جاری شود، چه حکمی دارد؟

جواب: عزاداری به شیوه‌ی مرسوم و سنتی از اعظم قربات الی‌الله تعالی و موجب اجر و ثواب است، لکن باید از هرگونه کاری که موجب وهن مذهب باشد، پرهیز شود. همچنین هر عملی که ضرر قابل توجهی برای انسان داشته باشد، حرام است.^۲

حجت‌الاسلام فلاح‌زاده هم درباره‌ی نظر امام خامنه‌ای گفته‌اند:
پرسیدند اگر شخصی در روضه‌ها به صورتش دست بزند تا جایی که صورتش زخم شود، حتی کبود شود، آیا این عمل مشکلی دارد؟

در پاسخ باید عرض کنیم در حد کبود شدن که حالا ممکن است با زنجیر زدن با سینه زدن بدن کبود شود، اگر ضرر معتناهی برای بدن نداشته باشد به نظر حضرت آقا اشکالی ندارد. اما کارهایی فراتر از این‌ها که ممکن است دشمنان سوء استفاده کنند، مثل مجروح کردن خود یا بدن را زخم کردن و قمه زدن یا مثل عبور از روی آتش و امثال این‌ها که در بعضی جاها برخی از افراد انجام می‌دهند، چون به هر حال این‌ها اعمال مستندی نیست، در عزاداری‌ها نه وارد شده است، نه سیره بر این بوده است و امروزه هم دشمنان از این‌گونه اعمال علیه مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام و پیروان اهل‌بیت علیهم‌السلام سوءاستفاده می‌کنند، اگر در آن حد باشد بله اشکال دارد. اما اگر در همین حد که متعارف است سینه می‌زنند زنجیر می‌زنند بدن‌شان ممکن است سرخ شود، کبود شود، در حد متعارفش که ضرر معتناهی برای بدن نداشته باشد، اشکالی ندارد.^۳

۱. اجوبة‌الاستفتائات ص ۳۲۵ شماره ۱۴۶۲

۲. <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۲۴۴۳۴>

۳. <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۲۷۹۸۸۵۴۰>

زنجیر و طبل و ...

در بررسی‌های تاریخی به طور دقیق مشخص نیست که زنجیر و طبل و سنج و شیپور از چه زمانی به مراسم عزاداری امام حسین علیه‌السلام راه یافت.

قبل از قرن چهارم هجری قمری، عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام، علنی نبود و نهانی انجام می‌گرفت؛ اما در نیمه دوم قرن چهارم، با قدرت گرفتن آل بویه سوگواری در روز عاشورا آشکار و در کوچه و بازار انجام می‌یافت. عموم مورخان اسلامی - به خصوص مورخانی که وقایع را به ترتیب سنواتی نوشته‌اند؛ از قبیل ابن‌الجوزی در کتاب منتظم و ابن‌اثیر در کتاب الکامل و ابن‌کثیر در کتاب البدایه و النهایه و یافعی در مرآت‌الجنان و ذهبی و دیگران - در ضمن ذکر وقایع سال ۳۵۲ و سال‌های بعد از آن، کیفیت عزاداری شیعه را در روز عاشورا نوشته‌اند.

بعد از سقوط آل بویه شیعیان در انزوا قرار گرفتند و تا روی کار آمدن صفویه عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام، دوباره غیر علنی گردید. پس از صفویه به دلیل ترویج تشیع، عزاداری شکل عام و علنی‌تری به خود گرفت. ولی در تمام گزارشات تاریخی قبل از صفویه صحبتی از زنجیر و طبل و... به میان نیامده است.

محقق مشهور چلکووفسکی^۱ در کتاب خود در این باره می‌نویسد:

« راه افتادن دسته‌های سینه‌زنی از زمان آل بویه در میان شیعیان رایج گردید. در عصر صفوی نیز دسته‌های سینه‌زنی همراه با خواندن اشعار با آهنگ یک نواخت - که در سوگ امام حسین علیه‌السلام سروده شده بود - در کوچه‌ها و خیابان می‌گشتند.

۱. پیترج. چلکووفسکی (Peter J. Chlkowski) یک آمریکایی لهستانی تبار و از دانشمندان متخصص فرهنگ ایران است. او در اواخر دهه ۱۳۳۰ به تهران آمد و در اولین سفر خود به تماشای یک مجلس تعزیه نشست و به قول خودش «همان شب عاشق تعزیه» شد. او درباره‌ی ادامه مطالعاتش درباره تعزیه می‌گوید: « بسیار درباره تعزیه مطالعه کردم، به واتیکان سفر کردم تا بزرگ‌ترین کتابخانه تعزیه در دنیا را ببینم. سفیر ایتالیا در ایران در سال‌های ۱۹۵۵-۱۹۵۰ نیز عاشق تعزیه بود و این کتاب‌ها را جمع‌آوری کرده و به کتابخانه واتیکان سپرد. ۱۰۵۵ نسخه تعزیه در واتیکان نگهداری می‌شود که تنها متعلق به ایران است. از ایران تا کارائیب سفر کردم تا گسترش تعزیه را ببینم »

در این عصر برای افزایش هیجان مردم و هر چه شکوه‌مندتر شدن دسته‌های عزاداری، نواختن طبل و کوبیدن سنج معمول گردید و ادوات جنگی - که در میدان رزم کاربرد داشت - به این‌گونه مجالس راه یافت و شیپورزنی، علم گردانی و حرکت دادن کتل، مورد استفاده سوگواران قرار گرفت.^۱

ساموئل گرین ویلر بنجامین - اولین سفیر امریکا در ایران - هم در کتاب خود می‌نویسد: «از جمله چیزهایی که بعد از این عصر (صفویه) به دسته‌های سینه‌زنی اضافه شد، عبارت بود از خون آلود کردن سر و صورت با تیغ زدن و قمه‌زدن به فرق سر با توجه به گزارش‌هایی که در عصر قاجار موجود است، این عمل در آن زمان معمول و رایج بوده است.»^۲

علامه شهید حضرت آیت‌الله مطهری هم فرموده است: «قمه‌زنی و زنجیرزنی و بلند کردن طبل و شیپور از ارتدکس‌های قفقاز سرایت کرد به ایران و چون روحیه مردم آمادگی داشت برای پذیرفتن این‌ها مثل برق شایع شد.»^۳

ایشان همچنین فرموده است: «من نمی‌گویم (عزاداری) حتماً باید به آن شکلی که از زمان قاجاریه معمول شده که بیشتر از قفقاز به این طرف آمده انجام شود و حتماً این‌ها هم باید باشد. این‌ها کارهای جدیدی است که از بیرون آمده، بسیاری از این‌ها درست نیست و باید عزاداری‌ها را اصلاح کنیم.»^۴

به هر شکل قطعی است که این اعمال از اهل بیت نرسیده و بعدها به عنوان عزاداری رایج شده است. و اگر چه علما فتوا به جواز آن داده‌اند، اما جایز بودن یک عمل به معنی توصیه به آن نمی‌باشد.^۵

۱. تعزیه هنر بومی ایران، ترجمه داوود حاتمی، ج ۱ ص ۱۰

۲. ایران و ایرانیان، ترجمه محمد حسین کرد، ج ۱ ص ۲۴۸

۳. جاذبه و دافعه علی علیه‌السلام ص ۱۵۴ - یادداشت‌ها، ج ۳، ص ۳۷۳

۴. مجموعه آثار استاد شهید مطهری ج ۲۴ ص ۲۷۷ - آینده انقلاب اسلامی ایران

۵. به دو مطلب «عمل به توصیه و انتخاب احسن» و «حرکت روی مرز گناه و قبولی» در مقاله «از لُخت شدن تا لُخت شدن» مراجعه نمایید.

الفاظ زشت

حجت‌الاسلام فلاح‌زاده درباره‌ی نظر امام خامنه‌ای در این باره گفته‌اند:
 سؤال: نظر حضرت آقا در مورد الفاظی که در عزاداری‌ها و نوحه‌ها استفاده می‌شود و در شأن یک مسلمان و حتی انسان نیست و نسبت دادن یکسری الفاظ رکیک به خود چه حکمی دارد؟

کلاً در عزاداری آن نزاکت و سنگینی و وزانت عزاداری باید حفظ شود... هم باید از مطالبی که حرام است - مثل کذب مثل غلو نسبت به ائمه اطهار علیهم‌السلام - پرهیز شود و هم باید از مطالبی که دون شأن یک مسلمان است، پرهیز شود. اصلاً اسلام پیروان خودش را وزین، سنگین و باوقار می‌پسندد. شما نگاه کنید از جمله لباس‌های حرام، لباس شهرت است و لباس شهرت یعنی لباس سبک، لباسی که در شأن یک مسلمان نیست، لباسی که از نظر رنگ، دوخت یا کیفیت پوشیدن یا حتی اندراس به گونه‌ای است که اگر طرف پیوشد در جامعه انگشت‌نما می‌شود، این در شأن یک مسلمان نیست. لذا در تعابیری که خوانده می‌شود در نوحه‌ها ولو حالا در مقام اظهار ارادت به معصومین علیهم‌السلام یا به اباعبدالله علیه‌السلام باشد، اما در شأن یک مؤمن نیست چنین الفاظی به کار ببرد، و در عزاداری از آن پرهیز شود.^۱

حرکات زشت

وقتی گفتن حرف‌هایی مانند این که من سگ حسینم، شایسته نباشد، به‌طور قطع بدعت جدیدی که راه افتاده و در جلسات عزاداری پوزه به خاک می‌مالند و ادای سگ را در می‌آورند هم محل اشکال است. مؤید دیگر این مطلب فتوای امام خامنه‌ای درباره‌ی سینه‌خیز رفتن در حرم ائمه است.

سؤال: اگر انسان در زیارتگاه‌های ائمه (علیهم‌السلام) خود را به زمین بیندازد و همانند بعضی از مردم که صورت و سینه خود را بر زمین می‌مالند تا از آن خون جاری شود و به همان حالت وارد حرم می‌شوند، عمل کند چه حکمی دارد؟

جواب: این اعمال که به عنوان اظهار حزن و عزاداری سنتی و محبت ائمه (علیهم‌السلام) محسوب نمی‌شوند از نظر شرعی اعتباری ندارند، بلکه اگر منجر به ضرر بدنی قابل توجه و یا وهن مذهب شوند، جایز نیست.^۲

۱. <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۲۷۹۸۸۰۴۰>

۲. اجوبه الاستفتائات سؤال ۱۴۵۱

تعزیه و شبیه خوانی

هم حضرت امام خمینی رحمت‌الله علیه و هم امام خامنه‌ای مدظله‌العالی فرموده‌اند که با حفظ شئونات، این شکل از عزاداری جایز است ولی بهتر است به جای آن مراسم عزا بر پا نمایند.

«تعزیه خوانی اگر مشتمل بر محرّمات شرعیّه و موجب اهانت به مقدّسات و شعائر مذهبی نباشد مانعی ندارد، ولی بهتر است مجالس عزا برپا نموده و روضه خوانی نمایند.

شبیه خوانی اگر مشتمل بر محرّمات و موجب وهن مذهب نباشد مانع ندارد؛ اگر چه روضه خوانی بهتر است.

شبیه خوانی اگر مشتمل بر محرّمات شرعیّه نباشد و موجب وهن مذهب نشود مانع ندارد ولی بهتر است به جای آن روضه بخوانند.^۱

حضرت امام خامنه‌ای هم فرموده‌اند:

« اگر مراسم شبیه خوانی مشتمل بر امور دروغ و باطل نباشند و مستلزم مفسده هم نباشند و با توجه به مقتضیات زمان باعث وهن مذهب حق هم نشوند، اشکال ندارند، ولی در عین حال بهتر است که به جای آن‌ها، مجالس وعظ و ارشاد و ذکر مصائب حسینی و مرثیه خوانی بر پا شود.»^۲

هروله

حجت‌الاسلام فلاح‌زاده درباره‌ی نظر امام خامنه‌ای در این باره گفته‌اند:

سؤال: آیا هروله کردن در عزاداری اشکال دارد؟

اگر موجب وهن مذهب نباشد، یعنی دیگران سواستفاده نکنند علیه مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، اشکالی ندارد. ولی به‌طور کلی توصیه این است که از این‌گونه اعمال در عزاداری‌ها پرهیز کنند.^۳

۱. استفتائات ج ۳ ص ۵۸۰ تا ۵۸۲

۲. اجوبه الاستفتائات سؤال ۱۴۴۰

۳. <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۲۷۹۸۸۵۴۰> .۳

تکرار اذکار

حجت‌الاسلام فلاح‌زاده درباره‌ی نظر امام خامنه‌ای در این‌باره گفته‌اند:

سؤال: آیا گفتن ذکر حسین علیه‌السلام در سینه‌زنی و به اصطلاح شور تند و پشت سر هم، بی احترامی است و اشکال شرعی دارد؟ آیا این مصداق غنای روضه‌خوانی است؟

ظاهراً مصداق غنا نباشد، اما باز یک توصیه‌ای رهبر انقلاب داشتند به برخی از مداحان که تکرار این الفاظ ثمره چندانی ندارد و عین عبارت این بود که فرمودند: «این مداحی شما، نوحه‌خوانی شما باید حکم یک منبر آموزنده را داشته باشد». یعنی قصیده‌هایی را بخوانید، مطالبی را داشته باشید که مردم بر معرفت‌شان نسبت به ائمه اطهار علیهم‌السلام و تاریخی که گذشته است، وقایعی که در عاشورا اتفاق افتاده است اطلاع بیشتری پیدا کنند؛ باید یک منبر آموزنده باشد. و می‌فرمودند که تکرار این الفاظ ثمره‌ای ندارد. البته نمی‌توانیم به‌طور کلی بگوییم حرام است؛ نه، حرام نیست و به‌عنوان یک فتوا نیست. به‌عنوان یک توصیه که به جای تکرار این الفاظ مطالبی گفته شود که برای مخاطبین ضمن این‌که عزاداری هست مفید هم باشد و بر معرفت آن‌ها بیفزاید و چیز یاد بگیرند.^۱

توصیه به گریه بلند

حضرت امام خامنه‌ای فرموده‌اند:

«البته این را هم به شما عرض بکنم؛ این‌که آقایان مداح‌ها، و سابق‌ها روضه‌خوان‌ها... اصرار می‌کنند که بلند گریه کنید، لزومی ندارد؛ خوب، آرام گریه کنید. وقتی می‌خواهند سینه بزنند، اصرار بر این‌که: «صدا، صدای این جمعیت نیست»؛ یا وقتی مردم می‌خواهند صلوات بفرستند، اصرار بر این‌که: «صلوات، صلوات این جمعیت نیست»! شما بخواهید مردم صلوات بفرستند، ولو توی دل‌شان. گرم شدن مجلس به این شیوه‌ها، اصل نیست؛ کاری کنید که دل‌های مستمع را در اختیار بگیرید. دل مستمع وقتی در اختیار شما آمد، مقصود حاصل است؛ اگر آهسته هم گریه کند، باز مقصود حاصل است؛ اگر به شما توجه کرد، باز مقصود حاصل است.»^۲

۱. <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۲۷۹۸۸۰۴۰>

۲. ۱۳۸۹/۳/۱۳ - دیدار جمعی از مداحان

گِل مالی

حجت الاسلام فلاحزاده درباره‌ی نظر امام خامنه‌ای در این باره گفته‌اند:

پرسیدند حکم گِل مال کردن خود به عنوان عزادار جایز است؟

بعضی جاها روز عاشورا گلی بر سر یا بدن می‌مالند یا کاه بر سر می‌ریزند که نشان دهند عزادار هستند. اما اگر به حدی برسد که سخیف باشد یا زشت باشد و طرف انگشت نما شود یا این که دشمنان از همین اعمال علیه مکتب اهل بیت علیهم السلام و پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام سوء استفاده کنند، موجب وهن باشد بله حرام است. بنابراین اگر در حد ساده‌ای باشد که به آن مراتب نرسد و طرف صرفاً خود را عزادار نشان دهد این اشکالی ندارد. اما اگر در حدی باشد که طرف یا انگشت نما می‌شود و زشت و سبک است یا موجب وهن باشد، این جایز نیست.^۱

باید توجه کرد اگر چه این کار جایز است ولی دستوری از اهل بیت علیهم السلام برای آن نرسیده است. ضمن این که برخی مراسم که در بعضی مناطق برگزار می‌شود و تمام بدن خود را گِل مالی می‌کنند با این فتوا جای تأمل دارد.

آلات موسیقی

حضرت امام خامنه‌ای فرموده‌اند:

سؤال: استفاده از آلات موسیقی مانند اُرگ (از آلات موسیقی و شبیه پیانو است) و

سنج و غیر آن‌ها در مراسم عزاداری چه حکمی دارد؟

جواب: استفاده از آلات موسیقی، مناسب با عزاداری سالار شهیدان نیست و

شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارفی که از قدیم متداول بوده برگزار

شود.^۲

۱. <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۲۷۹۸۸۰۴۰>

۲. اجوبه الاستفتائات سؤال ۱۴۴۹

عَلَم

حضرت امام خامنه‌ای فرموده‌اند:

سؤال: استفاده از عَلَم در مراسم عزاداری سیدالشهدا (علیه‌السلام) با قرار دادن آن در مجلس عزا یا حمل آن در دسته عزاداری چه حکمی دارد؟

جواب: فی‌نفسه اشکال ندارد ولی نباید این امور جزء دین شمرده شوند.^۱
دقت فرمایید که این پاسخ به این معنا است که این کار (علم کشی و...) یک حرکت دینی نیست که ثوابی داشته باشد.

حضرت آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی حفظه‌الله هم در این باره فرموده‌اند:
این عَلَم بلند کردن چیست؟! این « آهن سرد بی خاصیت » برای چیست؟! باید چیزی معقول باشد. این عزیزانی هم که این کار را می‌کنند، بچه‌های مخلص‌اند. جوان‌های پرشور مخلص حسینی هم هستند. وظیفه ماست که به آن‌ها بگوییم چه چیز ثواب دارد، چه چیز ثواب ندارد... این آهن بی‌خاصیت، این را برای چه بلند می‌کنید که صلیب‌گونه ساخته شده است؟ این‌ها خوب نیست؛ آن چیزهای دیگری که بخواهد خدای ناکرده همراه این‌ها شود، این‌ها خوب نیست.^۲

ایشان همچنین در دیدار فرمانده انتظامی استان قم در آستانه ماه محرم سال ۱۳۸۸، درباره علم‌کشی فرمود: « این علم‌ها چیزی نیستند که مطلبی، پیامی یا نفعی داشته باشند، غیر از این که ترافیک ایجاد می‌کنند، پیامی ندارند.»

خاتمه

انحراف‌ها و کارهای حرامی مانند قفل‌زنی و قمه‌زنی هم ابتدا به این شکل و وسعت نبود بلکه به مرور زمان به یک انحراف بزرگ تبدیل شدند. زیرا فاصله خط انحرافی با خط اصلی در ابتدا چندان زیاد نیست ولی وقتی خطوط ادامه پیدا می‌کند فاصله‌ها زیاد می‌شود. اگر مراقب نباشیم اموری که در این مقاله به آن‌ها پرداختیم، روزگاری به سرنوشت قمه‌زنی و قفل‌زنی و امثال آن دچار خواهند شد.
ضمن آن‌که در اکثر این موارد توصیه امام خامنه‌ای به‌عنوان ولی امر و نائب امام عصر ارواحنا فداه، ترک این کارها بود.^۳

۱. اجوبه الاستفتائات سؤال ۱۴۴۴

۲. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۱۰۹۱۸۰۰۰۳۵۹> ۲

۳. در مقاله « از لُخت شدن تا لُخت شدن » درباره لزوم عمل به توصیه، مطالبی نوشته شد.